



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۱۰

داود ملکيار

نکاتی چند به ارتباط مرگ سوال برانگیز احمد ظاهر

قسمت سیزدهم

(به ادامه قضیه مرگ مرحوم احمد ظاهر)

تبصره و تحلیل نویسنده، قسمت اول:

- آوازه قتل احمد ظاهر و عدم باور دوست داران احمد ظاهر به حادثه ترافیکی، چندین علت می تواند داشته باشد:
- ۱- علت ظاهری این ادعا ها، دیدن داغ در پیشانی و چشم احمد ظاهر و هم مشاهده خون در پشت سر او می باشد که موجب بروز حدس ها و گمان های زیادی گردیده بود.
 - ۲- یک تعداد برای اظهار وجود و جلب توجه به خود، خواسته اند این حادثه را یک توطئه پیچیده معرفی کنند، زیرا در صورت قبول حادثه ترافیکی، برای شان مطالبی دلچسب برای استنشهار در مورد رفاقت ها با احمد ظاهر باقی نمی ماند و موضوع چشم گیری برای مطرح ساختن خود نمی داشته باشند.
 - ۳- علت دیگر اینکه مردم از رژیم ظالم و سفاک خلقی نفرت داشتند و میدانستند که رژیم ظالم با کمترین بهانه اشخاص سرشناس را از بین می بردند، لذا مرگ چنین هنرمند پر آوازه را به این آسانی یعنی (حادثه ترافیکی) نمی خواستند قبول کنند.
 - ۴- روابط متعدد و زن بارگی احمد ظاهر زمینه ساز آوازه ها و دروازه های زیاد شده بود و قتل مرحومه خالده پرگل که با ازدواج اجباری به امر والی کابل، بصورت مؤقت در عقد احمد ظاهر در آمده بود، زندگی احمد ظاهر را بسیار پر ماجرا و پیچیده و بحث بر انگیز ساخته بود.
 - ۵- از طرف دیگر رژیم جدید (پرچمی ها) بعد از کشته شدن حفیظ الله امین می خواست در جمع جنایات امین، این حادثه را نیز ثبت کند و با دعوت خانم فخریه و طفل نوزادش به تلویزیون ملی، این افواهات را بیشتر دامن زدند.
 - ۶- چند تن از آشنایان خود پرست و سابق احمد ظاهر که به دلایل معلوم، توسط احمد ظاهر در سال های اخیر کاملاً رانده شده بودند و دلیل تیره گی روابط خود را، نزدیکی احمد ظاهر با محبوب الله میدانستند، روی کینه های شخصی، از اولین ساعات بعد از حادثه، خواستند از آب گل آلود آنروز، ماهی مراد و انتقام خود را بگیرند و با متهم کردن محبوب الله، خود را رفیق شفیق احمد ظاهر نشان بدهند.
 - ۷- روابط احمد ظاهر با دختر های مختلف، باعث تولید حسادت ها شده و به اصطلاح مردم، به غیرت یک تعداد دیگر بر می خورد و سبب تولید حس انتقام جویی و بروز تهدید هایی گشته بود که بعضاً "آنها به عمال دولت خلقی مانند سید داود ترون و اسدالله امین ارتباط می دادند که تا اندازه واقعیتم هم داشت.
 - لذا با انگیزه های مختلف یک تعداد زیادی از هموطنان ما به دسیسه و توطئه و سوء قصدی بر جان احمد ظاهر اعتقاد دارند و بعضاً "آنقدر مطمئن به نظر میرسند، که هیچگونه دلایل خلاف آنها نمی پذیرند.
 - لذا پیشنهاد من این است که اولتر از همه باید برای یک تعداد سوالات، جواب منطقی و قانع کننده پیدا کنیم، تا بعداً این قضیه را بار دیگر، قدم به قدم تعقیب نموده و خشت بالای خشت گذاشته و به نتیجه عام پسند تر برسیم.
 - ۱- چطور و روی کدام انگیزه، نزدیکترین رفیق و دوست خانوادگی احمد ظاهر یعنی سید محبوب الله که هیچ سابقه سیاسی نداشت و خانواده او در جمله خوانین و مخالفین رژیم خلقی شناخته می شد، برای رفیق جان جانی خود چنین دسیسه بسازد که سبب مرگ او شود؟
 - ۲- مجبوریست و یا منفعت محبوب الله ازین جنایت چه بود؟

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

- ۳- چطور دختری که عاشق احمد ظاهر بود و مطابق شواهد متعدد با احمد ظاهر یک سال قبل از کودتای ثور، روابط عشقی داشت و توسط احمد ظاهر حامله گردیده و بعداً "صاحب طفلی شده بود، برخلاف منافع خودش و اولاد نوزادش، چنین دسیسه و پلانی را می سازد که پدر اولاد و یگانه حمایت کننده مالی خود را برای ابد از بین ببرد؟
- ۴- چطور ممکن است حکومت ظالم و خونخواری که هزاران هموطن ما را به شمول دو صدراعظم با وقار و ده ها وزیر و صد ها مامور عالی رتبه و هزاران دانشمند و چیز فهم وطن را بدون کدام جرم و بدون جزیی ترین سوال و جواب و با انتهای بی اعتنایی به افکار عامه، در پولیگون ها تیر باران کرد، چرا بخواهد برای یک هنرمندی که اکثر شب ها تا نصف شب مصروف مهمانی و شب نشینی و عیاشی بود، و می توانستند به آسانی او را در تاریکی شب و در مقابل خانه اش از بین ببرند، چنین پلانی ترتیب دهند که در آن چند نفر جوان غیر قابل اعتماد و غیر متعهد را دخیل سازند تا احمد ظاهر را در روز روشن، از یک تفریحگاه به تفریحگاه دیگر ببرند، و بعد در شاهراه ایکه در هر دقیقه ده ها موتر میگردد، موتر را به کوه کوبیده و دندان ها و قیرغه های خود را بشکنند، تا قاتل بیاید و توسط تفنگچه احمد ظاهر را بکشد؟
- ۵- چطور ممکن است که آصف ظاهر (برادر بزرگ احمد ظاهر) و داکتر های شفاخانه چاریکار و مدیر ترافیک پروان و سارنوال پروان و پولیس جنایی و داکتر طب عدلی، همه و همه در یک دسیسه دخیل باشند و همه در تبنای با هم واقعیت ها را پنهان کنند و قتل عمد را تصادم ترافیکی معرفی نمایند؟
- ۶- و اگر احیاناً فرض کنیم که این افراد همه و یکایک هدایت گرفته بودند تا این قتل علنی را که در روز روشن صورت گرفته بود، پرده پوشی نمایند، پس چرا بعد از سقوط رژیم حفیظ الله امین، و از بین رفتن ترون و اسدالله امین، هیچکس پیدا نشد تا این راز را افشا و جنایت داؤد ترون و اسدالله امین را رسوا کند؟
- لذا تا زمانیکه به این ۶ سوال جواب قانع کننده پیدا کنیم، و یا شاهدهی که شخصاً "صحنه قتل را دیده بوده باشد، و یا علمای کالبد شگافی، موجودیت مرمی را در جمجمه مرحوم احمد ظاهر کشف و تائید کنند و یا سوراخ دخول و خروج مرمی را تثبیت و تشخیص نمایند، باید از تحمل و تانی کار گرفته و چند نفری را که آنان نیز قربانی این حادثه بوده و ممکن بیشتر از همه از مرگ احمد ظاهر متألم و متأثر گردیده باشند، صرف به اساس چند شک و آوازه و افواه، محکوم و نفرین نه نمائیم.
- تا آن زمان از تمام کسانیکه به معلومات مستند اهمیت قایل هستند، صمیمانه و دوستانه خواهشمندم تا این راپور مفصل و مستند را که از قول شاهدان عینی ترتیب شده است، بصورت بی طرفانه و واقعینانه با شواهد معتبر مقایسه نمایند، تا آوازه ها را از واقعیت ها تفریق و تشخیص نموده و زندگی اشخاص و افراد را بر مبنای حدسیات، تیره و تار نسازیم.
- قسمت چهاردهم و آخر، فردا منتشر خواهد شد.

آرشیف: نویسند